ستون‌های حکمت ایرانی

نگاهی به حیات و اندیشه ابن‌سینا، سهروردی و ابن‌عربی در **سه حکیم مسلمان** نوشته سیدحسین نصر



برشی از مینیاتور «جلسه عُلما» اثر عبدالله مصور که در بین سال‌های ۱۵۴۰ و ۱۵۵۰ میلادی، خلق شده است. ترکیب اثر شباهت زیادی به سبک آثار کمال‌الدین بهزاد دارد

تاریخ اندیشه

بهار خسروی
گروه کتاب

شکل‌گیری اندیشه در بستر تاریخ، همواره حاصل برخورد عقل و روایت‌های گوناگون از حقیقت بوده است؛ سفری پرمخاطره که در آن انسان می‌کوشد از تنگنای مادیات بگذرد و معنایی بزرگ‌تر برای بودن خود پیدا کند. در این مسیر، هر تمدنی با تکیه بر میراث گذشتگان، راهی به سوی درک هستی می‌گشاید و بزرگان اندیشه، پاسداران این میراث گرانبها هستند. جهان اسلام نیز در دوران شکوفایی خود، نقطه تلاقی عمیق‌ترین پرسش‌های عقلانی بوده است؛ جایی که متفکران بزرگ با پیوند دادن خردورزی باستان و بینش توحیدی، منظومه‌های فکری ماندگاری خلق کردند که تا امروز مایه شگفتی اندیشه‌ورزان است. کتاب «سه حکیم مسلمان» نوشته سیدحسین نصر با ترجمه زنده‌یاد احمد آرام که چاپ سیزدهم آن توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده، صرفاً شرح حال سه متفکر بزرگ نیست. این اثر می‌کوشد سه جاده اصلی تفکر اسلامی را پیش چشم خواننده بگذارد، راه‌هایی که در آنها انسان با پرسش از خود و جهان پیرامونش، به درکی عمیق از حقیقت می‌رسد؛ برهان فلسفی و خردورزی استوار ابن‌سینا، حکمت اشراقی و شهود نوری سهروردی و عرفان نظری عمیق ابن‌عربی. نصر در این اثر نشان می‌دهد تفکر اسلامی رونوشتی از فلسفه یونان نبوده، بلکه ثمره بازخوانی و دگرگونی بنیادین آن در پرتو پیام قرآن، توحید و سلوک معنوی است. از نگاه او، این سه فیلسوف جدا از هم نیستند؛ بلکه هر یک سرچشمه جریان زنده‌ای هستند که نسل‌های پی‌درپی را سیراب کرده و بنیان حیات عقلی جهان اسلام را استوار نگه داشته‌اند.

اساس این کتاب به سخنرانی‌های نصر در دانشگاه هاروارد در مارس ۱۹۶۲ بازمی‌گردد و ترجمه فارسی آن نخستین بار در سال ۱۳۴۵ توسط انتشارات سروش با همکاری مؤسسه فرانکلین در تبریز منتشر شد. این کتاب خواننده را ابتدا با فضای تاریخی و چگونگی زایش اندیشه اسلامی آشنا می‌کند، سپس درباره زندگی و افکار این سه اندیشمند می‌گوید و در نهایت، تصویری یکپارچه از همنشینی و تمایزهای این سه نگاه ارائه می‌دهد. نویسنده تأکید دارد که شکل‌گیری تمدن اسلامی بسیار فراتر از یک فتوحات سیاسی ساده بود. آنچه رخ داد، بازسازی خلاقانه دستاوردهای بشر در بستری تازه بود؛ جایی که دانش، ادب و حکمت با جذب و پالایش میراث یونانی، ایرانی و هندی جان دوباره گرفتند. او از پایگاه‌های علمی نامداری مانند جندی‌شاپور، حران، نصیبین و ادسا نام می‌برد و سپس به عصر پرتحرک عباسی می‌رسد؛ دورانی که در آن متن‌های کهن یونانی، سریانی، پهلوی و سانسکریت به همت مترجمانی چون حنین بن اسحاق، ثابت بن قره و ابن‌مقفع به عربی برگردانده شدند. اما برای نصر، نهضت ترجمه همه ماجرا نبود؛ شاهکار واقعی در هضم و تبدیل این گنجینه‌ها در هماهنگی کامل با باورهای اصیل توحیدی رقم خورد. انتخاب این سه چهره، نقشه‌ای بسیار دقیق و روشن دارد. ابن‌سینا نماد فلسفه مشایی و سنت اصیل فیلسوف-دانشمندان است؛ سهروردی مشعل‌دار حکمت اشراق و پیوند دهنده برهان عقلی با مکاشفه باطنی است؛ و ابن‌عربی معمار عرفان نظری به شمار می‌رود. روایت نصر از سرگذشت فردی و کتاب‌های هر متفکر آغاز می‌شود، به تدریج به تار و پود منظومه فکری آنها می‌رسد و سپس تأثیرشان را بر آیندگان می‌گوید. البته نصر هرگز این سه جریان را یکسان نمی‌داند، بلکه آنها را دریچه‌هایی مختلف رو به یک حقیقت واحد در میراثی مشترک می‌بیند.

شکوه ابن‌سینا تا قله‌های مابعدالطبیعه

فصل نخست کتاب پیش از ورود مستقیم به ابن‌سینا، خاستگاه پیدایش فیلسوف -دانشمند را بررسی می‌کند. کندی و فارابی در این دیدگاه، هرگز مرز غیرقابل عبوری میان حکمت نظری با ریاضیات و علوم طبیعی نمی‌دیدند. ابن‌سینا در چنین بستری بالید، اما مقلد صرف نماند؛ او افق پیشینیان را تا دوردست‌ترین نقاط پزشکی، علوم تجربی، مابعدالطبیعه و روان‌شناسی گسترش داد. شیخ‌الرئیس در سال ۳۷۰ هجری در بخارا چشم به جهان گشود. نبوغ شگفت‌انگیز او از کودکی آشکار بود؛ علومی را که دیگران سال‌ها می‌آموختند به سرعت فراگرفت و به تعمیق در آثار ارسطو و شروح فارابی پرداخت. زندگی‌اش مثل یک رمان پرماجرا گذشت: طبابت بر بالین فرمانروایان، وزارت در دربارها، سقوط سیاسی و زندان، فرار با ردای درویشی، اقامت پربار علمی در اصفهان و سرانجام پرواز روحش در سال ۴۲۸ هجری در همدان. از میراث مکتوب او می‌توان به «شفا» دایرةالمعارف سترگ فلسفی، «نجات» چکیده روشن آن، «اشارات و تنبیهات» شاهکار متأخر و عمیق او و «قانون» مرجع بلامنازع دنیای طبابت اشاره کرد. نویسنده با دقت رساله‌های تمثیلی و فارسی ابن‌سینا را بررسی می‌کند تا نشان دهد او فراتر از یک منطق‌دان می‌اندیشید. در کانون اندیشه ابن‌سینا، تمایز بنیادین او میان ماهیت، وجود و دسته‌بندی هستی به واجب، ممکن و ممتنع قرار دارد. از نظر او، تمام پدیده‌های این جهان ممکن‌الوجودند؛ یعنی بودن‌شان از خودشان نیست و برای پا گذاشتن به دایره هستی به یک علت نیاز دارند. تنها خداوند است که واجب‌الوجود به حساب می‌آید؛ وجودی که به دیگری وابسته نیست و در ذات پاکش میان ماهیت و وجود فاصله‌ای نمی‌افتد. این دستگاه منسجم توانست نیاز همه کائنات به مبدأ اول و پیوند مراتب هستی را به زیباترین شکل توضیح دهد. این فصل از کتاب، هرگز ابن‌سینا را پشت واژه‌های انتزاعی محدود نمی‌کند. نویسنده پیوند طبابت او با مشاهده بالینی و آزمون را به نمایش می‌گذارد و در حوزه روان‌شناسی، قوای گوناگون ادراک آدمی و درجات عقل را شرح می‌دهد. در رساله‌های نمادین ابن سینا، نفس انسان همچون غریبی تصویر می‌شود که از دیار نور آمده و در قفس خاکی تن گرفتار مانده است. مسأله وحی و پیامبری نیز بخش جدانشدنی منظومه اوست: پیامبر انسانی برخوردار از عقل قدسی و مرتبه اعلای دریافت است که می‌تواند حقیقت را به قانون زندگی جامعه تبدیل کند. از همین رو، شکوه ابن‌سینا از بستر بیماران تا قله‌های مابعدالطبیعه گسترده است.



کتاب «سه حکیم مسلمان» نوشته سیدحسین نصر صرفاً شرح حال سه متفکر بزرگ نیست. این اثر می‌کوشد سه جاده اصلی تفکر اسلامی را پیش چشم خواننده بگذارد، راه‌هایی که در آنها انسان با پرسش از خود و جهان پیرامونش، به درکی عمیق از حقیقت می‌رسد

صدای مستقل سهروردی

در فصل دوم، کتاب «سه حکیم مسلمان» وارد مبحث دیگری می‌شود. نویسنده پیدایش سهروردی را پاسخی طبیعی به نقدها علیه فلسفه مشایی و اوج‌گیری کلام و تصوف معرفی می‌کند. شهاب‌الدین یحیی سهروردی در سال ۵۴۹ هجری در سهرورد زنجان متولد شد، مراحل طلبگی را در مراغه و اصفهان پشت سر گذاشت و سلوک او را به بیابان‌های ایران، آناتولی و شامات کشاند. او در حلب مورد مهر و حمایت ملک ظاهر قرار گرفت، اما صراحت و شوریدگی اندیشه‌اش علمای متعصب وقت را به ترس انداخت و سرانجام به سیاه‌چال افتاد. این فیلسوف جوان در سال ۵۸۷ هجری در ۳۸ سالگی در همان زندان جان سپرد؛ رویدادی تلخ که نصر تصریح می‌کند راز و شیوه مرگ او هنوز در پرده ابهام مانده است. سهروردی در همین عمر کوتاه نزدیک به پنجاه کتاب و رساله به زبان‌های عربی و فارسی نوشت. آثار تعلیمی او مانند «تلویحات»، «مقاومات»، «مطارحات» و اثر بنیادین «حکمة‌الاشراق» در کنار داستان‌های فارسی نظیر «عقل سرخ»، «آواز پر جبرئیل» و «غربت غربیه»، اندیشه را در قالبی تصویری و پر رمز و راز پیش می‌برند. کیهان‌شناسی و روان‌شناسی سهروردی بر یک مدار می‌چرخند: رتبه هر موجود با درخشش نور او سنجیده می‌شود و نجات انسان گره خورده با بیداری و روشنایی باطن است. نکته قابل تأمل دیگر، دفاع شجاعانه نصر از بهره‌گیری سهروردی از نمادهای حکمت خسروانی ایران باستان و حکمت هرمسی و فیثاغورسی است. او روشن می‌کند این احیای نام‌ها به معنای خروج از مرزهای اسلام نبوده، بلکه سهروردی این میراث باستانی را در پرتو توحید بازخوانی کرده است. این نگاه، بعدها در شریان فلسفه ایران زنده ماند و اندیشه میرداماد و ملاصدرا را زنده کرد؛ بنابراین سهروردی در این اثر هم صدایی مستقل است و هم زنجیری طلایی که دوران‌های فکری را به هم متصل می‌سازد.

شهود ابن‌عربی

فصل سوم با تبیین نصر از تصوف آغاز می‌شود؛ سنتی که او آن را نه یک پیوند بیرونی، بلکه برآمده از جوهره شریعت اسلام معرفی می‌کند. نصر خاستگاه این تجارب را در سیره پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین علی(ع) جست‌وجو کرده و با نام بردن از حسن بصری، بایزید بسطامی، جنید، حلاج و امام محمد غزالی، منحنی رشد این جریان را ترسیم می‌کند. در میانه این مسیر، محیی‌الدین ابن‌عربی در قله می‌ایستد. او زاده سال ۵۶۰ هجری در مرسیه اندلس است؛ عارفی که به «شیخ اکبر» ملقب شد. دیدار تاریخی او در جوانی با ابن‌رشد، نمادی تکان دهنده از رویارویی دو نگاه به هستی است: نگاهی که با استدلال گام برمی‌دارد و نگاهی که با چشم کشف می‌بیند. ابن‌عربی در ۵۹۵ هجری اندلس را ترک کرد، در ۵۹۸ هجری در مکه نگارش دانشنامه عظیم «فتوحات المکیه» را کلید زد و پس از گشت و گذار در مصر و آسیای صغیر، در ۶۲۱ هجری به دمشق رفت و تا زمان وفاتش در ۶۳۸ هجری در آنجا ماند. «فتوحات» اقیانوس بی‌کرانی از الهیات باطنی، روان‌شناسی و کیهان‌شناسی است و کتاب دیگرش «فصوص الحکم»، خرد نبوی را در آیینه

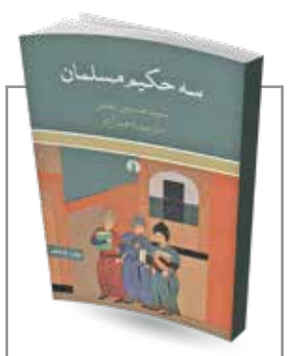

سه حکیم مسلمان

- نویسنده: **سیدحسین نصر**
- مترجم: **احمد آرام**
- انتشارات: **علمی و فرهنگی**
- تعداد صفحات: **۲۰۹ صفحه**
- قیمت: **۳۵۰۰۰۰ تومان**

پیامبران بازتاب می‌دهد. نصر تأکید می‌کند که نباید ابن‌عربی را یک فیلسوف دانشگاهی به معنای سازنده ساختارهای انتزاعی دانست. سرچشمه آثار او مکاشفه و شهود عینی است، هرچند این باطن‌گرایی هرگز به معنای بی‌انضباطی علمی نیست؛ زیرا دانش بی‌عمل بازیچه ذهن می‌شود و سلوک کورکورانه به بیراهه می‌رسد. در دیدگاه او، جهان پیرامون، کلمات قرآن و لایه‌های نفس انسان همگی نشانه‌هایی هستند که معانی عمیقی در سینه دارند. این نگاه، پایه‌گذار درک عمیق او از وحدت وجود است. نصر توضیح می‌دهد که وحدت وجود هیچ ربطی به همه‌خدایی مادی یا حلول ندارد. پروردگار بالاتر از آن است که با ماده یکی شود، اما موجودات نیز هستی جداگانه‌ای در برابر او ندارند؛ حقیقت مستقل تنها یکی است و تمام نمودهای جهان پرتوی از تجلیات آن نور یگانه‌اند. انسان کامل آیینه‌ای تمام‌نما برای بازتاباندن نام‌ها و صفات خداوند و پلی میان جهان و آفریدگار است؛ مقامی که پیامبران و اولیای الهی تجسم عینی آن هستند. بذر این کمال در وجود همه آدمیان به ودیعه نهاده شده، هرچند شکوفایی آن برای همگان رخ نمی‌دهد. در این منظر، فنا به معنای نیستی و تباهی نیست، بلکه پی بردن به این راز است که انسان از همان ازل نیز وجودی جدا از حق نداشته است. این مسیر با مرکب عشق، ذکر، نماز و صفای دل طی می‌شود. نصر در همین چارچوب نشان می‌دهد که وحدت ادیان در کلام ابن‌عربی، بازگشت به ریشه مشترک هدایت‌های آسمانی و نردبانی از جنس مهر است، نه مجوزی برای انکار شریعت و مناسک بیرونی. دامنه نفوذ او با شاگردان و شارحانی چون صدرالدین قونوی، مولانا، فخرالدین عراقی، جامی و سرانجام ملاصدرا مرزهای زمان و مکان را گذراند.

ترسیم افقی بی‌کران

روایت سیدحسین نصر از این سه حکیم، ترکیبی هماهنگ است: ابن‌سینا با استدلال منطقی رابطه جهان و خدا را روشن می‌کند، سهروردی با نور کشف و شهود، جان تازه‌ای به حکمت می‌بخشد و ابن‌عربی تجربه بی‌کران وصال را در قالب واژگانی دقیق بیان می‌کند. این سه فیلسوف هر کدام مسیر خود را دارند و کتاب هیچ‌کدام را نادیده نمی‌گیرد. «سه حکیم مسلمان» به مخاطب هشدار می‌دهد تاریخ بالنده فکر اسلامی را در یک کانال محدود نبینند. در نهایت، نصر با ردیابی میراث این سه اندیشمند، نشان می‌دهد گنجینه فکری اسلام توانزنی بزرگ میان عقل برهانی، شهود اشراقی، پیام وحی و سلوک عملی برقرار کرده بود. نگاه او فقط بازگویی یک تاریخ سپری شده نیست، بلکه بازخوانی زنده‌ای از هویت اصیل فرهنگ شرق است. برای خواننده امروز، کتاب «سه حکیم مسلمان» راهی است برای نزدیک‌شدن به سه پرسش همیشگی: عقل تا کجا می‌تواند پیش برود؟ چشم دل چگونه گشوده می‌شود؟ و انسان چگونه می‌تواند از میان پراکندگی‌های جهان، به آرامش و یگانگی برسد؟ نصر پاسخ این پرسش را در کنار هم نشاندن این سه حکیم می‌داند؛ نه فقط برای مقایسه تفاوت‌هایشان، بلکه برای ترسیم افق بی‌کرانی که هرکدام در آن سهمی ماندگار دارند.

رنج و گنج معرفت

سفری پرماجرا به دنیای شیخ‌الرئیس در **پزشک آواره**

در عصر غزنوی مردی برخاست که میان علم و ایمان پلی زد و عقل را با عشق درآمیخت. ابوعلی سینا، نه‌تنها پزشک و فیلسوفی بزرگ، بلکه انسانی جست‌وجوگر بود؛ انسانی که در میان جهل و دانایی، راهی به روشنایی می‌جست. زنده‌یاد مجتبی مینوی در توصیف او گفته: «در غالب نزدیک به عموم شعب معرفت بشری که در عهد او مورد اعتنا بوده است، داخل شده و سررشته‌ای به دست آورده و در بسیاری از آنها به رتبه‌ای نزدیک به کمال رسیده و اهل رأی و اجتهاد شده است.»

کتاب «پزشک آواره» نوشته محمدرضا توکلی صابری که در انتشارات مروارید منتشر شده، روایت سفری است پرماجرا که ابن‌سینا از بخارا تا گرگانج، از گرگانج تا گرگان، از گرگان تا ری، از ری تا همدان، از همدان تا اصفهان و از اصفهان تا آسمان‌ها و افلاک پیمود. اما در ژرفای داستان زندگی او، پرسشی جاودانه نهفته است: آیا دانایی می‌تواند انسان را از رنج برهاند؟ این کتاب تلاشی است برای یافتن پاسخ به این پرسش، در آیینه زندگی مردی که قرن‌ها پس از مرگش، هنوز ما را به اندیشیدن فرامی‌خواند. این رمان، روایتی است از سفر درونی و بیرونی ابوعلی سینا. در هر گام، او با پرسش‌هایی روبه‌روست که نه فقط جهان را، بلکه جان خود را به چالش می‌کشد: حقیقت چیست؟ زندگی چیست؟ رهایی کجاست؟ و آیا علم می‌تواند زخم‌های روح را درمان کند؟ با نثری آمیخته به خیال و فلسفه و علم، این کتاب خواننده را به قلب اندیشه‌های مردی می‌برد که هنوز پس از هزار سال، صدای گام‌هایش در راهروهای تاریخ شنیده می‌شود.

سفری درون‌گرانه از سایه به نور

کتاب «پزشک آواره»، دعوتی است به تأمل، به حیرت و به سفری درون‌گرانه در سایه چراغی که ابوعلی سینا روشن کرد و نوری که بر تاریکی افکند. نویسنده، زندگی و کار و کوشش ابوعلی سینا را به تصویر می‌کشد. او کوشیده تا با نگاهی انسانی و شاعرانه، به فراز و فرودهای شیخ‌الرئیس بپردازد و از خلوت اندیشه‌ها و گفت‌وگوهای رازآمیز و عارفانه و فلسفی او و گفت‌وگوهای جهانی‌اش درباره زندگی و علوم طبیعی با شاگردان و دانشمندان و فیلسوفان و عارفان هم‌عصرش یاد کند و رنج محبس و تبعید و جست‌وجوی آرامش در میان طوفان قدرت و سیاست را به تصویر بکشد. رمان با این پاراگراف شروع می‌شود: «در قرن چهارم هجری، بخارا، پایتخت حکومت مقتدر سامانیان، یکی از درخشان‌ترین، ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین شهرهای جهان اسلام و کانون علم، فرهنگ، تجارت و تمدن بود. این شهر در میان شهرهای خراسان همچون نگینی در میان انگشتری می‌درخشید. بخارا به شکل شهری مدور و متحدالمرکز بود و خیابان‌های اصلی شهر به مرکز این شهر دایره‌ای‌شکل منتهی می‌شدند. در دو طرف خیابان‌ها درختان توت و چنار درهم رفته بودند. شهر توسط دیوارهای بلند و مستحکمی احاطه شده بود که آن را از هجوم قبایل بیابانگرد ترک و ترکمن که از ترکستان و چین و مغولستان حمله می‌کردند، محافظت می‌کرد. ورودی اصلی شهر، دروازه ری بود که بازرگانان و دانشمندان از سراسر جهان از آن عبور می‌کردند. بسیاری از کوچه‌های بخارا باریک، سایه‌دار و اغلب سنگفرش بودند. کوچه‌ها معمولاً سقف داشتند تا مردم را از گرمای سوزان تابستان و سرمای زمستان در امان نگه دارند. خانه‌ها عموماً از خشت و آجر ساخته می‌شدند که هوای داخلی آن را در تابستان خنک و در زمستان گرم نگه می‌داشت. شهر بخارا یک شهر بین‌المللی بود که در مسیر جاده ابریشم قرار داشت. جمعیت بخارا بسیار متنوع بود. فارسی زبان اکثریت آنان را تشکیل می‌داد، اما اقلیت‌های قابل‌توجهی از اعراب، ترک‌ها، ترکمانان، چینی‌ها، یهودیان، مسیحیان نسطوری و زرتشتیان نیز در شهر زندگی می‌کردند و در کمال آرامش به فعالیت‌های تجاری و علمی خود مشغول بودند. بازار بخارا مهم‌ترین بخش شهر و مرکز تبادلات تجاری و فرهنگی ملت‌های گوناگون و پرهیاهو و رنگارنگ بود...» سپس رمان از زمان جوانی پدر ابوعلی سینا و باردار شدن مادر ابوعلی و زادن او تا پایان مرگ ابن‌سینا و برگزاری مراسم ختم او ادامه می‌یابد. در فاصله تولد تا مرگ، رمان کوشش و جنب و جوش ابوعلی سینا برای آموختن علم و سفرهای او را از شهری به شهری و خدمت در دربار امیران و حاکمان مختلف می‌پوشاند.

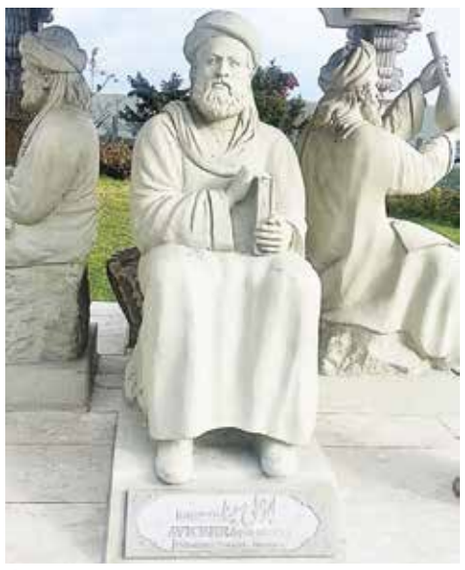

تندیس ابوعلی سینا در دفترو‌ین سازمان ملل متحد

کتاب «پزشک آواره» داستان مردی است که علم و فلسفه را نه فقط برای شناخت جهان، بلکه برای شناخت انسان و پاسخ به پرسش‌های بنیادین زندگی به کار گرفت. نام کتاب به دلیل فرار مداوم او از دست دشمنانش و شرایط ناپایدار سیاسی دورانی که در آن می‌زیسته، انتخاب شده است. در این کتاب، زندگی و کار و کوشش شیخ‌الرئیس از خلوت اندیشه‌ها و گفت‌وگوهای رازآمیز، عارفانه و فلسفی او گرفته تا گفت‌وگوهایش درباره زندگی و علوم طبیعی با شاگردان و دانشمندان و فیلسوفان و عارفان هم‌عصرش بازآفرینی شده است.

اسوه‌ای برای طالبان علم و دانش

ابن‌سینا بر فلاسفه و پزشکان پس از خود تأثیر زیادی گذاشته است. او مدل یا اسوه خوبی برای طالبان علم و دانش است. مردی فعال و باهوش که از کودکی تا پایان عمر به دنبال آموختن علم و دانش و تعلیم آن به دیگران بوده است و با داشتن منصب وزارت در دربار شاهان مختلف و سفرهای مدوام، باز هم به کار علمی و نوشتن کتاب می‌پرداخته است. او با نوشتن کتاب «قانون»، اثری جاودان به‌جا نهاد که تا ۶ قرن بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب پزشکی جهان متمدن بود.

اهمیت این کتاب در آن است که او کوشید دانش پزشکی زمان خود را نظام‌مند و طبقه‌بندی کرده و به صورت یک دستگاه منسجم آموزشی و درمانی ارائه کند. شاید مهم‌ترین میراث ابن‌سینا این باشد که او پزشکی را به شکل یک نظام دانش سازمان‌یافته ارائه کرد. برای مثال میان علائم، تشخیص، علت، پیش‌آگهی و درمان ارتباط برقرار می‌کرد. این کتاب چنان شهرتی در زمان خود داشت که ۱۵۰ سال بعد در اسپانیا به زبان لاتین ترجمه شد و با اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ، جزو نخستین کتاب‌هایی بود که چاپ شد. از آن پس به زبان‌های مختلف جهان ترجمه شد. تأثیر آن در جهان پزشکی به حدی بود که تا ۶۰۰ سال پس از تألیف آن هنوز در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. در کشورهای اسلامی هم تا قرون اخیر تدریس می‌شد اما اکنون فقط از نظر تاریخ پزشکی اهمیت دارد. کتاب «قانون» یک دایرةالمعارف بزرگ پزشکی به شمار می‌آید اما در قرن بیستم باید میان «روش پزشکی ابن‌سینا» و «محتوای علمی پزشکی او» تفاوت بگذاریم، چرا که برخی روش‌های مشاهده، طبقه‌بندی و استدلال بالینی او همچنان از نظر تاریخ علم اهمیت دارند و بسیار شبیه روش‌های علوم امروزین است؛ مانند مشاهده دقیق، طبقه‌بندی علائم، مقایسه موارد، آزمون درمان و اصلاح نظریه بر اساس شواهد. اگر امروز ابن‌سینا زنده بود به احتمال قوی بیشتر مطالب «قانون» را به کنار می‌گذاشت. سرپرست یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌ها یا مؤسسات تحقیقات پزشکی بود و نظریه‌های علمی جدیدی را ارائه می‌داد و دانش پزشکی را به‌سرعت به جلو می‌برد.



پزشک آواره

روایتی از زندگی ابوعلی سینا

- نویسنده: **محمدرضا توکلی صابری**
- انتشارات: **مروارید**
- تعداد صفحات: **۲۲۸ صفحه**
- قیمت: **۶۸۰۰۰۰ تومان**

> کتاب «پزشک آواره» روایت سفری است پرماجرا که ابن‌سینا از بخارا تا گرگانج، از گرگانج تا گرگان، از گرگان تا ری، از ری تا همدان، از همدان تا اصفهان و از اصفهان تا آسمان‌ها و افلاک پیمود. اما در ژرفای داستان زندگی او، پرسشی جاودانه نهفته است: آیا دانایی می‌تواند انسان را از رنج برهاند؟

نویسنده علم، تاریخ و سفر

محمدرضا توکلی صابری متولد ۱۳۲۵، پژوهشگر، مترجم، نویسنده و دانش‌آموخته دکتری شیمی پزشکی از انگلستان و فوق‌دکتری از دانشگاه اکستر است. او سال‌ها در دانشگاه‌های ایران، انگلستان و آمریکا به تدریس و پژوهش اشتغال داشته و به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر علمی در ایالات متحده فعالیت کرده است. توکلی صابری علاوه بر ترجمه و تألیف حدود چهل عنوان کتاب در حوزه‌های تاریخ علم، داروسازی، گیاهان دارویی و فلسفه علم، به خاطر سفرنامه‌های پژوهشی خود نامی شناخته شده در ادبیات معاصر ایران به شمار می‌آید. او با دو کتاب «سفر برگذشتنی» (پابه‌پای ناصرخسرو بر جاده ابریشم؛ دو جلدی) و «سفر دیدار؛ سفر به کوهستان‌های بدخشان و دیدار از مزار ناصرخسرو»، برگزیده جایزه ادبی جلال آل‌احمد شده است. از دیگر آثار صابری می‌توان به «سفرنامه ناصرخسرو بر پایه کهن‌ترین نسخه موجود در کتابخانه لکهنو» (برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)، «آواره دره یمگان»، «سفر طواف»، «گوهران گوهر»، «سراینده نامه خسروان» و همچنین آثار علمی و ترجمه‌هایی نظیر «شش نظریه که جهان را تغییر داد»، «علم چیست؟» و «چنین گویند طبیبان» اشاره کرد. او در کتاب «پزشک آواره» با نگاهی میان‌رشته‌ای، تجربه عمیق خود در تاریخ علم و داروسازی را با قلم خود درهم آمیخته تا زندگی پرماجرای ابوعلی سینا را به تصویر بکشد.

